

# رویای همزیستی روسیه با ایالات متحده آمریکا

مجید پهلوان

www.MajidPahlavan.com

شرکت های مالی و غول های صدور سرمایه آمریکایی توسط همکاری با چین و توسط طرح های داخلی (تولیدات چین) و خارجی (سرمایه گذاری های چین) آنها امکان پذیر است و مهار چین حیات و رگ زندگی زای آنها را قطع می نماید. در این چهارچوب است که شایعاتی مبنی بر دخالت روسیه در انتخابات آمریکا و نفوذ کرملین در آن تولید میشود و شایعه سرقت ای میل های دموکراتها و خانم کلینتن را جعل می کنند!!

\* \* \*

من قبلا مدعی شده ام که سیاست های کلان بویژه در حوزه روابط بین الملل آمریکا همواره حاوی برنامه های ربع قرن (۲۵ ساله) و دراز مدت است. از آن جمله است کنترل و مهار چین و ماشین سیاسی و نظامی آن. در این راستا است که آمریکا به دوستی و همکاری روسیه نیاز دارد و داند ترامپ آن را به نازل ترین شیوه تنزل داد! او با گماردن Flynn در راس ارگان امنیتی و جاسوسی آمریکا دست وی را برای ارتباط با همتای روسی باز گذارد.

فلین همان ژنرال کم حافظه ای ست که از روی نادانی و بی تجربگی در امور سبب ساز بحرانی شد و هم رییس جمهور ترامپ را در خطر خلع مقام قرار داده است. در همین راستا است سفر وی به عربستان سعودی و حمله مستقیم او به جمهوری اسلامی ایران که تا حدودی ترجمه سیاست رژیم change و برداشتن جمهوری اسلامی کاملا علیه سیاست کلان حمایت از کلیت نظام اسلامی از سوی امپراطوری امپریالیستی است. که ناظران سیاسی بر بی تجربگی ترامپ پای می فشارند و آن را کاملا لاف زنانه و تو خالی میدانند. در این میان که منافع کنسرن های تسلیحاتی از سوی ترامپ تعقیب میشود ولی جملات شفاهی و تو خالی ترامپ علیه جمهوری اسلامی در نامناسب ترین زمان صورت می گیرد. یعنی زمان پیروزی مجدد روحانی و نجات کلیت نظام اسلامی!

\* \* \*

آنچه که هر روز بیشتر آشکار میشود، بی شک عدم تجربه و دانش سیاسی دولت جدید ایالات متحده آمریکا ست. در حالیکه کنسرن های نفتی - تسلیحاتی به دست آوردهای بزرگ

هر چه از عمر دولت جمهوری خواه داند ترامپ می گذرد، شکاف بین دو کشور فدراسیون روسیه و ایالات متحده آمریکا عمیق تر میشود.

رویایی که ابتدا رهبر اتحاد شوروی (خروشچف) در کنگره ۲۰ و ۲۱ حزب کمونیست اتحاد شوروی در دهه ۶۰ میلادی قرن بیستم آن را به تصویب رساند و محور اصلی سیاست خارجی خود را علیه چین بر آن گزیند جدید نهاد. که همزیستی روسیه و آمریکا بار دیگر و این بار توسط دولت پرزیدنت ترامپ روی میز قرار گرفت و استراتژیست های اصلی سیاست آمریکا برای محاصره و مهار چین سخت از آن جانبداری کرده اند. محور سیاست خارجی آمریکا در مورد غول جدید اقتصادی جهان (چین) مهار و کنترل آن بوده است محافل کنسرن های تسلیحاتی و و نفتی سخت علیه آن. که لو لو سازی از روسیه هنوز عملی است و دایناسورهای اطاق های فکر کورپریشن ها سخت دنبال آن!

در این راستاست دروغ پردازی های رسانه جریان اصلی آمریکا در مورد سرقت های ای میل های خانم کلینتن توسط مسکو و تغذیه افکار عمومی در خصوص یارگیری سرویس جاسوسی روسیه از مشاوران کاخ سفید! دروغی که بزودی حتی پلیس فدرال آمریکا آن را مردود دانست.

\* \* \*

نخست آنکه آمریکا بدون مهار و کنترل ماشین تجاری و نظامی چین نمی تواند سلطه جهانی خود را بر حیات گردش سرمایه و کنترل نظامی دنیا ادامه دهد. که حتی حضور چین در آفریقا و سرمایه گذاری های نجومی آنها در آن قاره ابتدا نقش آمریکا پس از جنگ دوم جهانی و در چهارچوب طرح مارشال (برای بازسازی اروپای تخریب شده) را بیاد می آورد. که چین پس از اجرای پروژه های آبادانی اقلاد در ۱۷ کشور آفریقایی صاحب جای پای نظامی و تجاری بی رقیبی در آن خطه خواهد شد. علیرغم اراده سیاسی عظیمی که خواهان متوقف کردن حضور چین در آفریقا و بویژه کشورهای حوزه خاور نزدیک است ولی سنگ اندازی های کنسرن های نفتی - تسلیحاتی و مالی مقابل آنها قرار گرفته است. بسیاری از سرمایه گذاری های

و منافع افزون تر میرسند و یک بی برنامه‌گی همراه سراسیمگی سیاسی ویژه‌گی دولت ترامپ شده است. در حالیکه در هر دوره انتخابات ریاست جمهوری آمریکا دیده شده است، معمولاً دعوی روی جزئیات و درگیری جناح‌های متفاوت سرمایه‌داران در تصاحب بیشتر موقعیت‌های تجاری و سیاسی است و برنامه و چهارچوب سیاست‌های کلان امپراطوری باید دست نخورده بماند. پرزیدنت ترامپ گاهی مقابل این چهارچوب قرار گرفته و هر بار با تحمل سرافکنندگی سیاسی افزون تر کوتاه آمده است. در حالیکه محافل امنیتی و رسانه‌ای و البته کورپوریشن‌های عظیم مشغول زدن امکان نزدیکی آمریکا و روسیه هستند و زحمتکشان آمریکایی نفعی از دولت جدید نبرده و حس میکنند که فریب چند باره خورده‌اند و مجدداً توسط مدیا و رهبران خود فروش در اتحادیه‌ها و مراکز کاری، سرباز قدرت گیری بخش دیگری از ضدکارگرها شده‌اند.

\* \* \*

۱۷۱ سال از جنگ آمریکا و مکزیک و الحاق ایالت‌های کالیفرنیا، کلرادو، تگزاس و آریزونا، نوادا، نیومکزیکو و یوتا به ایالات متحده آمریکا می‌گذرد. در تمام این سالها، سلطه‌واشنگتن بر کشورهای خارجی سبب قدرت‌گیری امپراطوری عظیمی کرده

که مردم آمریکا منتفع بخشی از غارت بین‌المللی (بصورت بیمه‌های وسیع و رفاه عمومی) شده‌اند. این تصویر اکنون و در دوره سلطه سرمایه‌مالی و صدور سرمایه به انتها می‌رسد و انباشت سرمایه آمریکایی در جوار ورشکستگی طبقات متوسط و زحمتکشان آن کشور به کار خود ادامه میدهد. ادعاهای دانلد ترامپ دایر بر بازگشت امکانات تولیدی به آمریکا به مضحکه رسیده و چین و روسیه و اتحادیه اروپا سرکردی تجاری بخش‌های بزرگی از بازار جهانی را به خود اختصاص داده‌اند. گویی تنها راه‌هایی کارگران و زحمتکشان دنیای شمال و جنوب در همبستگی مبارزاتی آنها رقم می‌خورد. جهانی‌گرایی امپریالیستی علیه رفاه زحمتکشان خود آمریکا ظاهر شده و دو سوم کل تولیدات مصرفی چین راهی آمریکای شمالی و ۲۳ تریلیون دلار پول چین در بانک مرکزی آمریکا و بصورت اوراق قرضه خریداری شده است. گویی هیچکدام از ابر قدرت‌های جهان قادر به انداختن یوغ شکست برگردن دیگری نباشد که ائتلاف و اتحاد و مبارزه دایمی آنها تصویر جدید سیاست جهانی باشد و در این معادله است که همبستگی مبارزاتی زحمتکشان شمال و جنوب معنا پیدا می‌کند.

\* \* \*